: https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.78311.1181

مقالهٔ پژوهشی-مطالعهٔ موردی

ظرفیت‌های بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری با رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی (موردمطالعه: شهرک شهید باهنر کلان‌شهر مشهد)

اسماعیل علی اکبری (استاد گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسندهٔ مسئول)

aliakbari@pnu.ac.ir

سیدمهدی موسی کاظمی (دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

moosa_ka@pnu.ac.ir

مصطفی طالشی (استاد گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

m_taleshi@pnu.ac.ir

محمدمهدی مروج الشریعه (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

mm_moravej@yahoo.com

صص ۲۲۵ ـ ۱۹۷

چکیده

بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری یکی از تنگناها و مسائل پیچیده ناپایداری توسعه شهری هستند و برای ارتقای کیفیت زندگی، بازآفرینی این بافت ها ضرورت دارد؛ ازاین‌رو، رویکرد بازآفرینی شهری با بهره‌گیری از ادبیات برنامه‌ریزی مشارکتی در پی دستیابی به جوامع پایدار شهری است. تحقیق حاضر به شناسایی ظرفیت‌های مشارکت شهروندی برای برنامه‌ریزی مشارکتی در شهرک شهید باهنر واقع در منطقه ٦ کلان‌شهر مشهد با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی می‌پردازد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی بود و جامعه آماری پژوهش، ۳۳,۹۳۷ نفر شهروند ساکن در شهرک شهید باهنر بود. تعداد نمونه براساس فرمول کوکران ۳۷۹ نمونه تعیین شد و به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. نتایج نشان می‌دهد، ظرفیت‌های مشارکت شهروندی در بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر شامل ابعاد نهادی، کالبدی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی است و ارتباط معناداری بین آن‌هاست.

تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۰۵/۲۹ تاریخ تصویب: ۱٤۰۱/۰۸/۲۱

همچنین شدت رابطه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی از همه بیشتر و برابر با ۰/۷۵۲ است. با استفاده از آزمون **تی** تک‌نمونه‌ای نیز ظرفیت مشارکت شهروندی در بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر در ابعاد نهادی، کالبدی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی در وضعیت مطلوب قرار دارد. ازآنجاکه میانگین زیست‌محیطی برابر با ۲/۸۶۶ و از حد متوسط عدد ۳ کمتر است، ظرفیت‌های مشارکت شهروندی در بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر در بخش زیست‌محیطی در وضعیت پایین قرار دارد. با توجه به نتایج این پژوهش و مشخص شدن میزان ظرفیت مشارکت ساکنان شهرک شهید باهنر، شیوه اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی به‌منظور بازآفرینی مطلوب در بافت‌های ناکارآمد شهری، از طریق فعالیت‌های منسجم و برنامه‌ریزی شده دفاتر تسهیلگری محقق می‌شود.
کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی مشارکتی، بازآفرینی، بافت ناکارآمد، کلان‌شهر مشهد، شهرک شهید باهنر.

۱. مقدمه

مشارکت شهروندی اصولی است که بیان می‌کند شهروندان حق دارند در تصمیم‌هایی نقش داشته باشند که بر زندگی آن‌ها تأثیرگذار است (موریسون و شیان[1]، ۲۰۱۶، ص. ۲۰۵). مشارکت شهروندی در مسائل شهری با هدف توانمندسازی جوامع محلی نیز مقوله‌ای است که ابتدا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در آمریکا شکل گرفت و در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ در انگلستان مطرح شد. پس از آن، کشورهای در مسیر توسعه نیز از آن استقبال کردند. نفوذ این ادبیات به ایران در دهه‌های اخیر، به ایجاد زمینه‌های تغییر رویکردهای مشارکتی از دیدگاه سنتی به مدرن منجر شد (حبیبی و سعیدی، ۱۳۸٤، ص. ۲۱). مشارکت مردم در تمامی فعالیت‌های اجتماعی و ازجمله برنامه‌ریزی و شهرسازی، امری است که امروزه در تمامی جوامع پذیرفته شده و روز به روز نیز بر اهمیت آن افزوده می‌شود (احمدی، ۱۳۷۷، ص. ۳۲). هر جامعه‌ای با توجه به تاریخ، سنت‌ها، هنجارها و روحیات خویش می‌تواند پذیرای سطح معقولی از حضور شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و اهداف جامعه باشد. امروزه مهم‌ترین

1. Morrison & Xian

رویکرد در مدیریت شهری، جلب مشارکت مردم برای اداره امور شهر است؛ به‌گونه‌ای‌که هر فرد، گذشته از نقشی که در حیطه فعالیت‌های شغلی و خانوادگی خود برای اجتماع دارد، به‌عنوان یک شهروند در اداره امور شهری که در آن زندگی می‌کند، نقش خود را بازشناسد و درباره وظایفی که پذیرش این نقش برای او ایجاد می‌کند، خود را مقید و مسئول بداند (زالی، دارابی و میرزایی، ۱۳۹۲، ص. ۸۰). شهر، امروز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فرهنگ و تمدن و یکی از فراگیرترین پدیده‌های اجتماعی عصر حاضر است. از سوی دیگر، تمامی عوامل انسان ساخت و طبیعی موجود در شهر و حتی خود انسان‌ها درگیر تغییر و تحولاتی پیوسته و آرام هستند. رهایی از این تغییرات امکان‌پذیر نیست؛ زیرا به معنی سکوت، ثبات و توقف است که به مرگ حیات شهر منجر می‌شود (ابراهیم‌زاده آسمین، اشتری مهرجردی و حاجی زاده، ١٣٩٦، ص. ۹۹). در حال حاضر شهرهای ایرانی با مسائل بسیاری ازجمله مشکلات مربوط به بافت‌های فرسوده و ناکارآمد مواجه هستند. ورود به این عرصه توسط نهادهای شهری به‌دلیل پیچیدگی‌های بسیار، کار سخت و همراه با خطرهای اجتماعی و اقتصادی است (هادیان و دانشپور، ۱۳۸۷، ص. ۲۱).

محله‌های ناکارآمد و فرسوده شهری به‌عنوان واقعیتی نامطلوب همواره از سویی دغدغه ذهنی مدیران شهری و متفکران این عرصه بوده‌اند و از سوی دیگر حامل اثرات نامطلوب برای ساکنان این محله‌ها و نیز برای سیستم شهری بوده‌اند (رفیعیان و احمدزاده نانوا، ۱۳۹۱، ص. ٣٥٤). بافت‌های فرسوده، اغلب در زمره مناطق محروم شهر از نظر اجتماعی، اقتصادی و کالبدی هستند و این امر عامل نارضایتی ساکنان، نبود پویایی و رونق حیات شهری در آن‌هاست (میرزایی ارجنکی و شبانی شهرضا، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۰). بافت‌های فرسوده شهری ازجمله ساخت و سازهای ناموزون شهری هستند که به‌دلیل قدمت این بافت‌ها و نیز وجود پدیده‌های مهاجرت شامل فقر، آلودگی‌های زیست‌محیطی و بعضی دیگر از مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، یکی از اساسی‌ترین مشکلات شهری به‌ویژه در کلان‌شهرها هستند (لطیفی و مروتی، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۰-۱۹۱). در ایران بافت‌های ناکارآمد شهری به عرصه‌هایی از محدوده‌های قانونی شهرها گفته می‌شود که به‌دلیل فرسودگی کالبدی، نبود برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تأسیسات-خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیرند و

درعین‌حال ارزش مکانی-محیطی و اقتصادی و اجتماعی برخوردارند (پوراحمد، کشاورز، علی اکبری و هادوی، ۱۳۹٦، ص. ۱٦۹). رویکرد بازآفرینی شهری به دنبال ایجاد محیطی پایدار، با مشارکت ساکنان بافت ناکارآمد و بررسی ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی است، روبه‌رو بوده است (ایزدی، قاسمی و سالاری، ۱۳۹۰، ص. ۲). آنچه امروزه با عنوان «بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد و فرسوده، تاریخی و حاشیه‌ای» در ادبیات برنامه‌ریزان به کار گرفته می‌شود، حاصل چاره‌اندیشی شهرسازان متأخر برای جلوگیری از گسترش افقی از زوال روزافزون و غلبه بر ناکارآمدی و احیای این بافت ها به‌ویژه در محله‌های سنتی موجود، جلوگیری از گسترش افقی در پیرامون شهرها و مقابله با جوامع وابسته با اتومبیل است (روستایی، پوراحمد، مرصوعی و علی اکبری، ۱۳۹۹، ص. ٤۰). همچنین یکی از چالش‌های مهم یعنی تعیین سیاست‌های ملی و محلی مناسب برای بازآفرینی شهری مناطق مغفول مانده است (سیزیولکا و بوروف[۲]، ۲۰۲۱، ص. ۱). بازآفرینی در بافت فرسوده شهری از طریق بهبود حیات محیطی، اقتصادی و اجتماعی شهر به دست می‌آید و طیف وسیعی از فعالیت‌هایی را توصیف می‌کند که زندگی جدیدی به مناطق فرسوده و کهن شهر می‌بخشند، باعث تجدید حیات ساختمان‌ها، زیرساخت‌ها، تأسیسات شهری و محیط ساخته شده می‌شوند، به توسعه مجدد ساختارهایی منجر می‌شوند که پایان عمر مفیدشان فرارسیده است (گالدینی[۳]، ۲۰۰۵، ص. ۱٤)؛ با تکیه بر مشارکت مردمی این امر حاصل می‌شود (ایزدی، قاسمی و سالاری، ۱۳۹۰، ص. ۲). مشارکت عمومی از مهم‌ترین اصول و مقدمات موفقیت در بازآفرینی شهری است (ارزمانی، وطن پرست و معتمدی، ۱۳۹۸، ص. ۳٤). در این بین ظرفیت‌های مشارکتی می‌توانند به‌عنوان بخشی از دارایی‌های بالقوه جامعه محلی در خدمت اقدامات مداخله جویانه در مناسبات محلی قرار گیرند؛ به‌ویژه اینکه این ظرفیت‌ها به‌دلیل خصلت‌های جامعه انسانی، از قابلیت نوزایی، بازتولید، ابتکار و اصلاح برخوردارند (رفیعیان و احمدزاده نانوا، ۱۳۹۱، ص. ۳٥٤). یکی از مسائل مهم در بازآفرینی بافت‌های فرسوده، حضور جدی نداشتن ساکنان و سازمان‌های مردم‌نهاد در هریک از مراحل

---

2. Ciesiółka & Burov
3. Galdini

این فرایند است؛ به‌طوری‌که ساکنان همیشه ناظر و شنونده سیاست‌ها و اقدامات انجام‌شده هستند و سازمان‌های مردم‌نهاد در مسائل بازآفرینی نقش نداشته‌اند. با توجه به اینکه در طرح‌های بازآفرینی پیشین، جایگاه مشارکت شهروندی به‌درستی تبیین نشده بود، از اهداف خود بازمانده و بازآفرینی پایدار شهری انجام نشده است (میرزایی ارجنکی و شبانی شهرضا، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۱).

شهرک شهید باهنر که جزو بافت‌های ناکارآمد شهر مشهد است، در این پژوهش به‌عنوان نمونه موردمطالعه برگزیده شده است. شهرک شهید باهنر به‌دلیل محدوده منفصل شهری که در قالب دو محله به نام‌های محله شهید باهنر و محله شهید بسکابادی است و در سال ۱۳۹۳ به ناحیه ۳ از منطقه ٦ شهرداری مشهد اضافه شده است، کارکردی خاص، موقعیتی ویژه و اثرگذار دارد. بررسی تاریخچه شکل‌گیری و تحولات روی‌داده در شهرک شهید باهنر و بافت آن، نشانگر مجموعه‌ای از شباهت‌ها و تفاوت‌ها با سایر محله‌ها و بافت‌های مسئله‌دار و ناکارآمد شهری است. از سویی بسیاری از افراد ساکن محله از فرسودگی کالبدی رنج می‌برند و از سوی دیگر به‌دلیل هویت پررنگ محلی و ترکیب جمعیتی و قومیتی خاص دارای ویژگی‌های چندگانه‌ای است که محدودیت‌ها و قابلیت‌هایی را برای توسعه به وجود آورده است. پژوهش حاضر درصدد شناخت ظرفیت‌های موجود در مشارکت شهروندان در بازآفرینی محله‌های شهید باهنر و شهید بسکابادی در شهرک شهید باهنر است تا در گام‌های بعدی به‌طور مقتضی، از نتایج پژوهش در راستای پایداری فرایند بازآفرینی بافت محله‌های ناکارآمد شهری استفاده شود.

۲. پیشینهٔ تحقیق

این پژوهش به‌منظور بررسی و شناسایی ظرفیت‌های بازآفرینی محله‌های ناکارآمد شهری در حاشیه کلان‌شهرهای ایران (با تأکید بر کلان‌شهر مشهد) با رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی از طریق وساطت و نقش آفرینی دفاتر تسهیلگری انجام شده است. کلیدواژه‌های اصلی و اصطلاح‌شناسی این تحقیق شامل برنامه‌ریزی مشارکتی، مشارکت، دفاتر تسهیلگری، بازآفرینی و بافت ناکارآمد است؛ بنابراین پیشینه این تحقیق براساس محورهای یادشده بیان می‌شود.

جدول ۱. بررسی پیشینه پژوهش

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۴۰۱

نام نویسنده	موضوع	نتایج
هیفنگ و مارتین دی جانگ[1] (۲۰۱۷)	مشارکت شهروندان در توسعه اکوشهر چین	در این پژوهش بیان شده که سیاست چین اخیراً شهرنشینی نوع جدیدی را اتخاذ کرده و به مقایسه حالت‌های مختلف مشارکت یک روستا و یک شهر در دو مرحله تصمیم‌گیری و پیاده‌سازی پرداخته شده است. براساس نتایج، مشارکت شهروندان در جامعه روستایی بیشتر واکنشی و جمعی است؛ درحالی‌که در محیط شهری بیشتر فردگرایانه و پیشگیرانه است.
لوک بویل[2] (۲۰۱۸)	نقدی بر کاربرد ابزارهای ارزیابی پایداری محله در بازآفرینی شهری	در این مقاله از دانش موجود درمورد ابزارهای NSA برای برجسته کردن کاستی‌های رویکردهای مبتنی بر نتایج در مدیریت شهری استفاده شده است. وی پیشنهاد می‌کند که استراتژی‌های بازآفرینی شهری باید از واقعیت‌های شهری یک مکان یا زمینه خاص استخراج شود. چنین استراتژی‌هایی باید مبتنی بر اصول حاکمیت شهری، اقدامات مشارکتی و درک پویایی بازار باشد. بدون چارچوب‌های رویه‌ای مشارکتی، پروژه‌های بازآفرینی شهری به‌طور ناکافی به سمت پایداری جامع‌تر ادامه می‌دهند.
اریک اریکسون[3] (۲۰۲۱)	باز کردن جعبه سیاه برنامه‌ریزی مشارکتی: مطالعه چگونه برنامه‌ریزان با نظرات شهروندان برخورد می‌کنند	هدف این مطالعه اکتشافی، باز کردن این جعبه سیاه و بررسی نحوه مدیریت ورودی شهروندان توسط متخصصان برنامه‌ریزی محلی است. تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که چندین تصمیم خرد در طول فرایند مرتب‌سازی گرفته می‌شود و این تصمیمات بر ورودی‌هایی تأثیر می‌گذارد که به نهادهای رسمی تصمیم‌گیری می‌رسد و اینکه در چه شکلی است. نتایج، قدرت اعمال‌شده توسط بازیگران برنامه‌ریزی شهری و چگونگی تأثیر آن‌ها بر سرنوشت ورودی شهروندان را نشان می‌دهد.
کاترینا سیتی[4] (۲۰۲۱)	برنامه‌ریزی مشارکتی برای پایداری محلی با هدایت اهداف توسعه پایدار	این مقاله رویکردی را برای ایجاد مشترک یک طرح پایداری محلی با استفاده از SDGs برای یک جامعه روستایی در جنوب شرقی استرالیا با استفاده از تکنیک‌های مشارکتی برای ایجاد مشترک، جمع‌آوری داده‌ها و بررسی توصیف کرده است. اگر جوامع محلی برنامه‌های پایداری را با استفاده از SDGs ایجاد کنند، آنگاه چنین برنامه‌ریزی بین مقیاس‌های جغرافیایی و در سراسر آن سازگار خواهد بود و با اهداف جهانی همسو

1. Huifeng & Martin de Jong
2. Luke Boyle
3. Erik Eriksson
4. Katrina Szetey

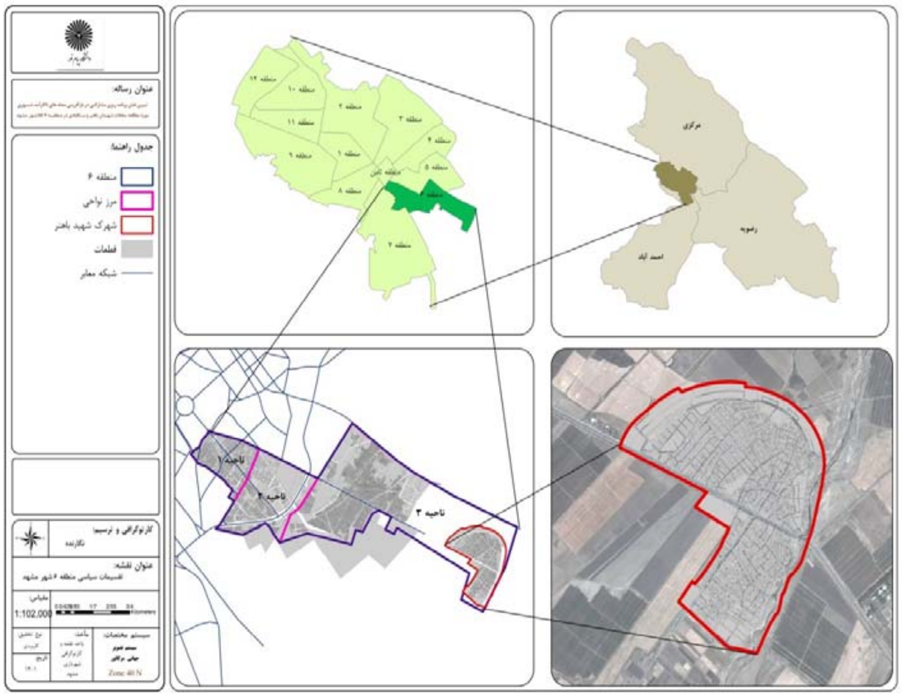
نام نویسنده	موضوع	نتایج
		خواهد بود.
رسول نازی، نقیبی و خسرونیا (۱٤۰۱)	بررسی نقش ظرفیت‌های عمومی و محلی در بازآفرینی بافت ناکارآمد شهری	در این پژوهش پس از درگیر شدن مردم در فرایند بازآفرینی سرانه، کاربری‌های موردنیاز در محلات واجد الویت به سرانه استاندارد نزدیک شده است؛ بنابراین پیش‌شرط همه برنامه‌های مشارکتی باور سیاست‌گذاران و مدیران شهری، تأثیر مشارکت شهروندان در حل مسائل و مشکلاتی است که بهبود کیفیت زندگی آن‌ها در گرو یافتن راه‌حل و چاره‌ای مناسب برای آن‌هاست.
قاسمی سیانی، قاسمی و حیدری (۱۳۹۹)	تدوین چارچوب مفهومی برنامه‌ریزی مشارکتی محله محور در شهرهای ایرانی (مطالعه موردی: محله‌های سیروس، جوادیه و هفت چنار شهر تهران)	در این مقاله تلاش شده است، با مطالعه تجربه نوسازی در سه محله سیروس، جوادیه و هفت‌چنار تهران که با رویکرد برنامه‌ریزی کالبدی-فضایی و برنامه‌ریزی مشارکتی اجرا شده است، ضمن احصاء موانع مشارکت، الگویی برای اجرای پروژه‌های آینده ارائه شود. نتایج بیانگر آن است که موانع موجود به دو دسته عوامل ساختاری و عاملیتی دسته‌بندی می‌شود؛ بنابراین برای جلب مشـارکت مردم باید این عوامل ساختاری و عاملیتی را با یکدیگر هماهنگ کرد و تعامل مثبت و دوسویه بین آن‌ها برقرار کرد.
تقوایی و طاهری (۱۳۹۹)	بررسی تأثیر بازآفرینی شهری بر گردشگری شهری (مطالعه موردی: منطقه سه شهر اصفهان)	هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر بازآفرینی شهری بر گردشگری شهری در محدوده منطقه سه شهر اصفهان است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بازآفرینی شهری بر گردشگری شهری شهر اصفهان مؤثر است و بازآفرینی فضاهای شهری بر رشد و توسعه گردشگری شهری شهر اصفهان اثرات مثبت رونقی دارد.
امینی، صارمی و قالیباف (۱۳۹۷)	بررسی توزیع فضایی و مدل تلفات انسانی در بافت فرسوده منطقه ۱۲ شهر تهران براساس شاخص‌های کالبدی بازآفرینی پایدار شهری	این پژوهش به لحاظ هدف، توسعه‌ای کاربردی و از لحاظ روش‌شناسی، توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی است. همچنین نتایج بررسی مدل تلفات انسانی نشان می‌دهد، بیشترین وضعیت تلفات با تعداد ۱۰٦٥۸٤ نفر با ضریب d٤M در وضعیت تلفات بلافاصله پس از فروریختن قرار دارد.
روشن‌علی و عندلیب (۱۳۹۷)	مسئله‌یابی بافت‌های ناکارآمد شهری مهم‌ترین مرحله مشارکت‌دهی ساکنان در موفقیت برنامه‌های نوسازی (نمونه موردی: محله شهید خوب بخت تهران)	این پژوهش مبتنی بر اولویت مسئله‌یابی بافت‌های ناکارآمد در ترغیب مردم به مشارکت، مطرح شد و طرح محله شهید خوب ارزیابی شد. نتایج نهایی بر مبنای یافته‌های کمی و انجام تحلیل‌های کیفی ارائه شد. همچنین اهمیت مرحله و مسئله‌یابی در فرایند نوسـازی، به‌عنوان مرحله شناخت نیازها و مشکلات ساکنان و توانمندی آن‌ها در جهت رفع نیازها در سیاست‌های نوسازی نیز تأیید شد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر براساس هدف، در زمره تحقیقات کاربردی و از نظر روش‌شناسی تحقیق از نوع توصیفی- تحلیلی است. اطلاعات موردنیاز به شیوه‌های اسنادی و میدانی به‌ویژه مشاهده‌ها و کشفیات عینی محقق و همچنین مصاحبه، تکمیل پرسشنامه و تنظیم مدارک و اسناد صوتی و تصویری گردآوری شده است. در این پژوهش از جامعه شهروندان محله‌های شهید باهنر و شهید بسکابادی برای پرسشگری استفاده شد. شایان ذکر است، سال ۱۳۹۳ محله‌های شهیدان باهنر و شهید بسکابادی به‌عنوان محدوده منفصل شهری در قالب دو محله به نام‌های محله شهید باهنر و محله شهید بسکابادی به ناحیه ۳ از منطقه ٦ شهرداری شهر مشهد اضافه شدند که تا قبل از آن در خارج از محدوده قانونی شهری و در بخش رضویه و دهستان میامی در جنوب شرقی شهر مشهد واقع شده بودند. محله‌های شهیدان باهنر و شهید بسکابادی در امتداد محور خیابان حر بعد از شهرک شهید رجایی (ساختمان) قرار دارند. جامعه آماری پژوهش، ۳۳,۹۳۷ نفر ساکن محدوده موردمطالعه در سال ۱۳۹۵ بود که با استفاده از فرمول کوکران برای تعیین تعداد نمونه پرسشگری‌شده، ۳۷۹ پرسشنامه به‌صورت کامل از سطح کل شهرک شهید باهنر تکمیل و پرسشگری شد. روش نمونه‌گیری به این صورت بود که انتخاب نمونه‌ها از سطح محله‌های شهید باهنر و شهید بسکابادی به‌طور تصادفی انجام شد و سپس پرسشگری شد. همچنین در این پژوهش با توجه به اهداف، از روش آماری تحلیل عاملی برای تحلیل‌های آمار استنباطی با کمک نرم‌افزار SPSS استفاده شد و تحلیل‌های آماری با آزمون‌های t-test، مقایسه میانگین و ضریب همبستگی نیز انجام شد.

قلمرو پژوهش شهرک شهید باهنر با مساحت ۲۲۷ هکتار است و در سال ۱۳۹۵ طبق مرکز آمار ، ۳۳,۹۳۷ نفر جمعیت در این محله ساکن بودند. محدوده موردمطالعه به‌صورت منفصل از بافت شهری به لحاظ الگو و ترکیب بافت به شکل ارگانیک شکل گرفته است و به‌عنوان سکونتگاه اسکان غیررسمی در حریم شهر مشهد شناخته می‌شود. اطراف محله شهرک شهید باهنر را به‌طور کامل اراضی زراعی آستان قدس پوشش داده‌اند که به‌طور جزئی‌تر این محله از شمال به اراضی زراعی آستان قدس در امتداد جاده میامی، از غرب به شهرک شهید رجایی، از جنوب به شهرک طرق و از شرق به کال طرق، نیروگاه شریعتی و روستای سالارآباد و جاده

سرخس محدود شده است. محله شهرک شهید باهنر در ۵۹ درجه و ٤۲ دقیقه تا ۵۹ درجـه و ٤۳ دقیقه طول جغرافیایی و ٣٦ درجه و ١٤ دقیقه تا ٣٦ درجه و ۱۵ دقیقه عـرض جغرافیـایی قرار گرفته است. در ارتباط با ویژگی خاص محدوده مکانی تحقیق، ضروری اسـت بـه نقـش آستان قدس رضوی که مالک حدود ۷۰ درصد از عرصه کل شهر مشهد (به‌عنوان یک ویژگـی منحصر به فرد شهری) نیز اشاره شود. در همین راستا، نوع نگاه، سیاست‌ها و برنامه‌های آستان قدس به عرصه کلی شهر و به‌ویژه حاشیه آن که دارای بافت‌های ناکارآمد و فرسـوده شـهری است، قابل تجزیه و تحلیل است؛ به این مفهوم که از منظـر آسـتان قـدس رضـوی، نگـاه بـه تجاری‌سازی (ساخت‌وساز برج و باروهای بلندمرتبه) و توسعه فضای سبز با تأکید بـر حفـظ محیط‌زیست شهری به‌ویژه در بافت‌های ناکارآمد حاشیه شهر (ازجمله محله‌های شهیدان باهنر و بسکابادی) بازتاب‌های متفاوتی در نوع توسعه شهری و ترکیب افـزایش درآمـدی ناشـی از گسترش فضاهای تجاری و میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی ساکنان شـهر، بـه‌ویـژه حاشیه شهر خواهد داشت. توجه به جایگـاه و منزلـت انسـانیت و انسـان‌محـوری، همچنـین ارتقای سلامت جسم و روان ساکنان کلان‌شهرها و بـه‌ویـژه حاشـیه‌نشـینان آن‌هـا از اهمیـت ویژه‌ای نیز برخوردار است.



شکل ۱. موقعیت شهرک شهید باهنر

مأخذ: واحد نقشه و کارتوگرافی شهرداری مشهد، بازتولید: نگارندگان، ۱٤۰۱

٤. مبانی نظری تحقیق

٤. ۱. مشارکت

واژه «مشارکت» از نظر لغوی بر وزن مفاعله یعنی شرکت دوجانبه افراد بـرای انجـام دادن کاری است. همچنین شرکت کردن با هم و با هم شریک شدن ازجمله معانی آن در نظر گرفته شده است (تالشی و عفتی، ۱۳۹۸، ص. ۱۷). به‌ویژه در مفهوم توسعه پایدار، واژه «مشـارکت» جایگاه خاصی دارد و این واژه امروزه به یکی از واژه‌های کلیدی فرهنگ توسعه تبـدیل شـده است؛ با وجود این، هنوز برداشت مشخص و یکسانی از مفهوم مشارکت وجـود نـدارد. ایـن تفاوت برداشت تنها شامل درک معنی واژه مشارکت نیست، بلکه ریشه‌هـای تـاریخی کـاربرد عملی و دلالت‌های نظری آن را نیز در بر می‌گیرد (آقامیری، ۱٤۰۰، ص. ۱٤٦). مشـارکت بـه

معنی درگیر شدن بسیار نزدیک مردم در فراگردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مؤثر بر زندگی آنان است. مشارکت، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی انگیزاند تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. در این تعریف سه جزء مهم وجود دارد: درگیرشدن، یاری‌دادن و مسئولیت‌پذیری. مشارکت در عین حال که هدف است، یکی از نیازهای اساسی بشری نیز به شمار می‌رود (ارجمندنیا، ۱۳۸۰، ص. ۳). مشارکت عبارت است از مجموعه جریان کار و عملیاتی که تمام اعضا –از بالا به پایین– در روند تصمیم‌گیری‌های مربوط به یک جامعه یا سازمان دخالت کرده و با همدیگر مشارکت می‌کنند. تأکید اصلی این نوع مدیریت بر همکاری و مشارکت علاقه‌مند و اختیاری عموم افراد استوار است و قصد دارد از ایده‌ها، نظرات و ابتکارات آن‌ها در حل مشکلات و مسائل استفاده کند؛ ازاین‌رو اساس فرایند این نوع مدیریت بر تقسیم اختیارات بین افراد استوار است (طوسی، ۱۳۸۰، ص. ۲۱). بعضی از صاحب‌نظران مشارکت را ابزار توسعه می‌دانند و برخی دیگر از صاحب‌نظران علوم اجتماعی و سیاسی، اصل مشارکت مردم را عین توسعه می‌دانند. تحولات اقتصادی چند سال اخیر در کشورمان با عنوان «خصوصی‌سازی» بهانه ای برای ایجاد زمینه مشارکت اقتصادی و اجتماعی بیشتر مردم است. تا قبل از این توسعه به‌صورت یک‌جانبه صورت می‌گرفت؛ به این صورت که طرحی از سوی دستگاه های دولتی مطرح می شد و مفهوم مشارکت مردمی تنها در قبول طرح و نظر مجریان خلاصه می‌شد (کمال‌خواه، ۱۳۷۸، ص. ۵). مفهوم مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی شهری به‌ندرت با رژیم‌های سیاسی استبدادی که از رویکرد برنامه‌ریزی متمرکز و از بالا به پایین حمایت می‌کنند، مرتبط بوده است (بلاگویچ و پریک[5]، ۲۰۲۱، ص. ۲).

تعاریف متعددی از مشارکت مردمی مطرح شده است که هرکدام بـه سطوح مختلفی از تأثیرگذاری شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی و تصمیم سازی اشاره دارند. از دیدگاه کریتون[6]، مشارکت مردمی فرایندی است که به‌وسیله آن نگرانی‌ها، ارزش‌ها و نیازهای مردم به‌منظور تصمیم‌سازی جمعی مدنظر قرار می‌گیرد. در این فرایند، ارتباط و تعامل دوطرفه با هدف کلی

5. Blagojevic & Peric
6. Creighton

تصمیمات بهتر و حمایت‌شده از سوی مردم، برقرار می‌شود. (کریتون[7]، ۲۰۰۵، ص. ۷). هویی‌زن[8] مشارکت مردمی را دخالت دادن مردم در زمینه‌هایی از توسعه و طرح ریزی شهری می‌داند که به عموم شهروندان مربوط می‌شود (هویی‌زن، ۱۳۷۷، ص. ٩٦). پریسکولی[9] مشارکت مردمی را رابطه‌ای دوطرفه شامل کسب اطلاعات از مردم و در ادامه ارائه ایده‌ها، مشکلات و نگرانی‌ها به آنان تعریف کرده است (پریسکولی، ۲۰۰۳، ص. ٦١).

آلموند و پاول، بر نقش خوداتکایی افراد در نوگرایی و مشارکت مردمی تأکید کرده‌اند. از نظر آن‌ها، انسان نوگرا، شهروند مطلع و مشارکت‌کننده‌ای است که علاوه‌بر اعتماد بر خود درمورد تصمیم‌گیری‌های زندگی‌اش مستقل عمل می‌کند و پذیرای ایده‌ها و افکار جدید است. مشارکت مردمی مبین نحوه بهره‌برداری شهروندان دارای نگرش‌های مشارکتی مختلف از فرصت‌هایی است که نهادها و موضوعات در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند (علمی، ۱٤۰۰، ص. ۷۰). به‌طور خلاصه، مشارکت مردم عبارت است از: فرایند و حق اساسی که براساس آن، مردم عاقلانه و با آگاهی، اراده و رغبت در زمینه‌ای خاص با قبول گوشه‌ای از مسئولیت آن، به‌طور گروهی در ارضای نیازهای روحی و روانی فردی و گروهی خود در همیاری برای رسیدن به اهداف ازپیش تعیین‌شده براساس نیازهای واقعی اولویت‌بندی‌شده و با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت‌ها برای یافتن هویت فردی و جمعی در جامعه سعی می‌کنند (فنی و صادقی، ۱۳۸۸، ص. ٦١). برای تقویت و گسترش مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، شناخت عوامل مؤثر بر این امر ضروری است (احمدی، ۱۳۷۷، ص. ۳۲). اقدام مشارکت توسط یک فرد هنگامی صورت می‌پذیرد که اول اینکه قصد و نیت او برای مشارکت شکل گرفته باشد و او انگیزه کافی برای مشارکت یافته باشد و دوم اینکه امکان مشارکت برای فرد خواهان آن فراهم شده باشد (علوی‌تبار، ۱۳۸۲، ص. ۲۲–۲۳).

7. Creighton
8. Hovi Zen
9. Priscoli

٤. ۲. بافت فرسوده

واژه «فرسوده» اسم مفعول از فرسودن به معنی «به‌غایت کهنه و ازهم‌ریخته و پایمال‌شده و افسرده‌شده» است (لغت نامه دهخدا). مراد از بافت شهری، گستره‌ای هم‌پیوند است که با ریخت‌شناسی‌های متفاوت طی دوران حیات شهری در محدوده شهر یا حاشیه شهر یا حاشیه آن در تداوم با شهر گرفته باشد. این گستره می‌تواند از بناها، مجموعه‌ها، راه‌ها، فضاها، تأسیسات و تجهیزات شهری یا ترکیبی از آن‌ها تشکیل شده باشد (شفاهی، ۱۳۸۵، ص. ٦). بافت فرسوده شهری به عرصه‌هایی از محدوده قانونی شهرها گفته می‌شود که به‌دلیل فرسودگی و سطح نازل کیفیت محیطی در آن‌ها، مسائل و مشکلات خاصی را برای شهرها به وجود آورده‌اند (ساسانی، ساسانی و ذبیحی، ۱۳۹۹، ص. ۸۲٤). همه بافت‌های فرسوده شهری یا در گذشته قابل‌سکونت بوده‌اند و در یک دوره زمانی نسبتاً طولانی به فرسودگی گراییده‌اند یا در زمان شکل‌گیری مطلوبیت لازم نداشته‌اند و فرسودگی در آن‌ها در مدت زمانی کوتاهی آشکار شده است (ماجدی، ۱۳۸۹، ص. ۸۸). فرسودگی یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به فضای شهری است که باعث بی‌سازمانی، بی‌تعادلی، بی‌تناسبی و بی‌قوارگی آن می‌شود (بهنه، کلانتری خلیل‌آباد و رضایی، ۱۳۹۳، ص. ۱). درواقع، بافت فرسوده شهری نظام زیستی شهری را هم از لحاظ ساختار و هم از حیث کارکرد اجزا مختل و ناکارآمد می‌کند (قاسمی، میری و حافظ‌زاده، ۱٤۰۰، ص. ٦٤۰). بافت‌های فرسوده شهری صرفاً محیط‌های دارای بافت کاربردی فرسوده نیستند، بلکه این محل‌ها بازتاب عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی-فنی و عوامل ارزشی-اعتقادی و نیز نوع روابط انسانی موجود در جامعه و محیط بزرگ‌تر هستند (لطیفی و مروتی، ۱۳۹۱، صص. ۱۹۰-۱۹۱).

بافت‌های فرسوده به‌علت آسیب‌ها، در کلیت با یکدیگر وجوه مشترک دارند، اما به‌علت عوامل مؤثر بر فرسوده‌بودن ماهیت متفاوت دارند. این تفاوت، بافت‌ها را درسه گروه زیر قرار می‌دهد:

الف. بافت‌های دارای میراث شهری. مراد از بافت‌های دارای میراث شهری، بافت‌های فرسوده‌ای است که به‌رغم فرسودگی در گستره آن‌ها بناها، مجموعه فضاها، تأسیسات و تجهیزات شهری با ارزش یا ترکیبی از آن‌ها وجود دارد (مهندسین مشاور شاران، ۱۳۸٤، ص.

۸). نکته مهم این است که جدا کردن بافت‌های دارای میراث از سایر بافت‌ها به‌علت اهمیت آن‌ها، به‌هیچ‌وجه به مفهوم حذف این گونه بافت‌ها از دستور کار مداخله در بافت‌های فرسوده نیست؛ بلکه این امر تنها تأکیدی بر ضرورت همکاری و نظارت سازمان میراث فرهنگی بر اقدامات نهادهای مسئول در حفظ منطقی و تخصصی میراث‌های باارزش در این بافت‌هاست (شفیعی‌نسب و گلابی، ۱۳۸٦، ص. ۲۲)؛

ب. بافت‌های شهری (فاقد میراث شهری). مراد از بافت‌های شهری، بافت‌های فرسوده‌ای است که در لایه‌های درونی شهر جای دارند. این بافت‌ها یا در کالبدهای به‌جای‌مانده در دل بافت‌های قدیمی قرار گرفته‌اند یا حاصل استقرار افراد فرودست جامعه در زمین‌های خالی درون‌شهری و برون‌شهری‌اند که با گسترش شهرها با آن‌ها درآمیخته‌اند (مهندسین مشاور شاران، ۱۳۸٤، ص. ۸)؛

ج. بافت‌های حاشیه‌ای (سکونتگاه‌های غیررسمی). مراد از بافت‌های حاشیه‌ای، بافت‌های فرسوده‌ای است که به‌علت نبود تناسب میان درآمد متقاضیان سکونت در شهرهای بزرگ و هزینه‌های سکونت در آن‌ها، بیشتر به‌طور غیر رسمی در حاشیه شهرها شکل گرفته‌اند. ساکنان این بافت‌ها، بیشتر مهاجران جویای کار هستند که در شهرهایی ساکن شده‌اند که توانمندی‌های زیاد در عرصه‌های اشتغال و خدمات دارند (مهندسین مشاور شاران، ۱۳۸٤، ص. ۹).



شکل ۲. انواع بافت‌های فرسوده

مأخذ: نگارندگان، به اقتباس از مهندسین مشاور شاران، ۱٤۰۱

٤. ۳. بازآفرینی شهری

واژه "Regeneration" از ریشه فعل Regenerate به معنی «احیاکردن، جان دوباره بخشیدن، احیاشدن و از نو رشدکردن» است. در تعریف این عبارت گفته می‌شود، به معنی بازتولید طبیعی، بخشی از یک تمامیت زنده است که درمعرض نابودی قرار گرفته است (عندلیب، بیات و رسولی، ۱۳۹۲، ص. ٨٦). این واژه به شکل گسترده‌ای پس از ۱۹۹۵، به‌عنوان جایگزینی برای نوسازی شهری در عرصه ادبیات شهرسازی جریان یافت (بحرینی، ایزدی و مفیدی، ۱۳۹۳، ص. ۲۰). بازآفرینی شهری فرایند توسعه همه‌جانبه در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی به‌منظور ارتقای کیفیت زندگی در محله‌های هدف در پیوند با باقی شهر است (وزارت راه و شهرسازی، ١٣٩٤). درحقیقت، بازآفرینی شهری بافت فرسوده را در محیط اطراف خود تقویت یا حفظ می‌کند و درعین‌حال، امکان ایجاد جذابیت را فراهم می‌کند (آهوکپه و سردارگلن[10]، ۲۰۲۱ ص. ۱۳). بازآفرینی شهری عبارت است از مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بینجامد؛ به‌طوری‌که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی بافتی را به وجود می‌آورد که دستخوش تغییر شده است (بحرینی، ایزدی و مفیدی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳). مناطقی که دچار انحطاط شهری هستند، با ترکیبی از مشکلات کالبدی، اجتماعی و اقتصادی در هم تنیده شده‌اند که ابعاد مختلف زوال شهری (ازجمله زوال اقتصادی، زوال اجتماعی، زوال فیزیکی و زوال محیطی) را تشدید می‌کند و کیفیت زندگی ساکنان را کاهش می‌دهد؛ بنابراین انگیزه کافی برای مداخله سیستم‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در این حوزه‌ها فراهم می‌شود. روش جدید مداخله، استفاده از رویکرد بازآفرینی شهری است. این رویکرد براساس مشارکت عمومی و خصوصی به بازآفرینی فضاهای شهری پویا به‌منظور حفظ و ارتقای کیفیت زندگی شهری منجر می شود؛ بر این اساس، بازآفرینی شهری فرایند توانمندسازی جامعه را در دستور کار قرار داده است تا سطح مشارکت شهروندان ساکنان این مناطق افزایش یابد تا بتوانند مشکلات خود را حل کنند (امیری، ۲۰۲۲ ص. ۱).

10. Ahokpe & Serdargoln

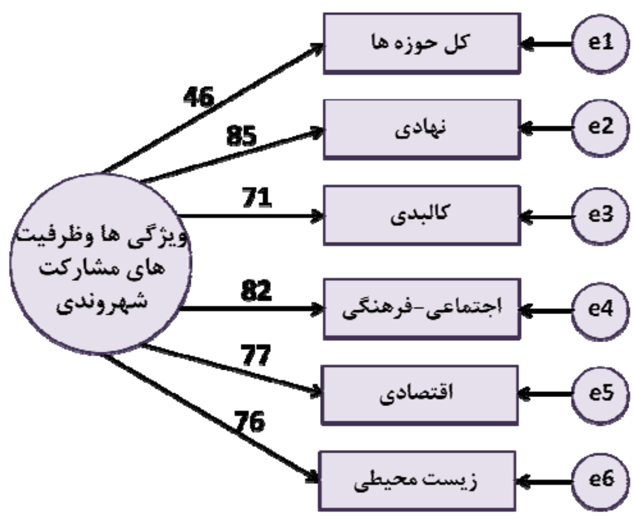
جدول ۲. مفهوم بازآفرینی شهری

مأخذ: رحمن‌زاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۷

انواع کلی بازآفرینی شهری	-تحمیلی: بازآفرینی در محله‌هایی که برای مدت طولانی متروکه مانده‌اند. -فرصت‌طلبانه: بازآفرینی در محدوده‌ای که سرمایه‌گذاران خصوصی و دولتی زمین‌های در دسترس را برای پروژه‌های بزرگ زیرنظر دارند. -پیشگیرانه: بازآفرینی در بافت‌هایی که از نظر اقتصادی و اجتماعی رو به زوال‌اند.
ابعاد جامع	-محیطی و کالبدی: کیفیت فیزیکی شهر، کیفیت زیرساخت‌ها، منابع محیطی درحال‌استفاده، مدیریت پساب، آلودگی، ریخت‌شناسی زمین و مناظر شهری -اجتماعی: تحلیل دغدغه‌ها و نگرانی‌های اجتماعی، محرومیت‌ها، توانایی و قابلیت‌ها، استعداد مردمی، نژادی و...
ماهیت بازآفرینی	-مداخله‌گر است. -با فعالیت بخش‌های اجتماعی عمومی و خصوصی صورت می‌گیرد. -درطول زمان همواره با تحولات اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سیاسی تغییرات درخور ملاحظه‌ای در ساختارهای اداری به وجود می‌آورد. -به بسیج جمعی می‌پردازد. -مبتنی بر عملکرد عناصر مختلف شهری اقتصادی اجتماعی کالبدی و محیطی است.
هادیان داخلی تغییر	مانند استراتژی‌های موجود، میزان در دسترس بودن منابع، اولویت‌های ساکنان، وضعیت مشارکت، رهبری و قهرمانان
طرح‌های توسعه	-اقدامات عملی و تئوری شهری -سیاست‌گذاری‌ها -ابزارهای قانونی
اهداف بازآفرینی	-کالبدی: ساخت مجدد مراکز شهری، بهبود مسکن، طراحی شهری ترفیع‌یافته و کیفیت، میراث، تسهیلات اجتماعی جدید، حمل‌ونقل -اجتماعی: آموزش مجدد شاغلان، بهبود و ارتقای وضعیت آموزش و خدمات سلامت، نوسازی محله‌های درونی، تسهیلات اجتماعی محلی، طرح‌ریزی نقشه‌های مردم‌رهبر، برنامه‌های محیطی بومی -اقتصادی: حمایت از بنگاه‌های اقتصادی موجود و جدید، فرصت‌های جدید اقتصادی، تنوع اقتصادی محیطی: اقدامات زیست‌محیطی، ارتقای فضاهای سبز
راهبردهای رسیدن به بازآفرینی شهری	-ایجاد چارچوبی برای تحلیل مشکلات شهری و شناسایی توان بالقوه توسعه -ایجاد راهبردی همه‌جانبه و شناسایی توان بالقوه توسعه -شناسایی محدودیت‌ها، فرصت‌ها و منابع موردنیاز برای اجرای پیشنهادها -ایجاد چارچوبی برای مدیریت یا تقسیم وظایف و شناسایی منابع -ارزیابی و مرور تمامی عملکردهای مذکور

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش، ظرفیت‌های مشارکت شهروندی برای برنامه‌ریزی مشارکتی در شهرک شهید باهنر کلان‌شهر مشهد، با استفاده از تحلیل عاملی مرتبه دوم شناسایی شده و وضعیت وجود این ظرفیت‌ها در شهرک شهید باهنر بررسی شده است. طبق نتایج پژوهش، ظرفیت‌های مشارکت شهروندی شامل کل حوزه‌ها، نهادی، کالبدی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی است و همچنین ظرفیت مشارکت شهروندی برای بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر کلان‌شهر مشهد از نظر زیست‌محیطی در وضعیت پایین قرار دارد.



شکل ۳. شناسایی ظرفیت‌های مشارکت شهروندی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

در شکل ۳، اعداد نشان‌داده‌شده روی مسیرها ضرایب استانداردشده هستند. در جدول ۳، ضرایب رگرسیونی برآوردشده به همراه مقادیر معناداری و سایر شاخص‌های آماری آن‌ها ارائه شده است. همان‌طورکه در این جاول مشاهده می‌شود، به‌ازای تمامی ضرایب رگرسیونی، مقادیر بارهای عاملی برای همه گویه‌ها از ۰/٤ بیشتر است؛ بنابراین تمامی ضرایب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هستند.

جدول ۳. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم برای شناسایی ظرفیت‌های مشارکت شهروندی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

متغیر پنهان	متغیر مشاهده‌شده	ضریب استانداردشده	انحراف معیار	آماره t	p-value
ظرفیت‌های مشارکت شهروندی	کل حوزه‌ها	۰/۴۳۴	----	----	----
	نهادی	۰/۴۸۲	۰/۱۳۱	۶/۶۷۳	۰/۰۰۰
	کالبدی	۰/۷۴۱	۰/۳۷۸	۸/۱۱۳	۰/۰۰۰
	اجتماعی-فرهنگی	۰/۹۰۵	۰/۳۴۵	۸/۵۶۱	۰/۰۰۰
	اقتصادی	۰/۸۵۶	۰/۳۰۸	۸/۴۷۷	۰/۰۰۰
	زیست‌محیطی	۰/۳۹۷	۰/۲۱۸	۵/۹۳۳	۰/۰۰۰

طبق نتایج جدول ۳، ظرفیت‌های مشارکت شهروندی برای بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر عبارت‌اند از: کـل حـوزه‌هـا، نهـادی، کالبـدی، اجتمـاعی-فرهنگـی، اقتصـادی و زیست‌محیطی.

در این بخش با اسـتفاده از ضـریب همبسـتگی پیرسـون، رابطـه دوبـه‌دوی ظرفیـت‌هـای مشارکت شهروندی برای بازآفرینی، به‌صورت ماتریس ضرایب تهیه و تحلیل شده است.

جدول ٤. رابطه دوبه‌دوی ظرفیت‌های مشارکت شهروندی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

ظرفیت‌ها		کل حوزه‌ها	نهادی	کالبدی	اجتماعی- فرهنگی	اقتصادی	زیست‌محیطی
کل حوزه‌ها	ضریب همبستگی	۱					
	مقدار معناداری						
نهادی	ضریب همبستگی	۰/۴۰۰	۱				
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰					
کالبدی	ضریب همبستگی	۰/۵۰۳	۰/۵۴۸	۱			
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰				
اجتماعی- فرهنگی	ضریب همبستگی	۰/۶۰۱	۰/۳۳۷	۰/۴۹۷	۱		
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			
اقتصادی	ضریب همبستگی	۰/۵۴۷	۰/۳۳۱	۰/۵۴۲	۰/۷۵۲	۱	

ظرفیت‌ها		کل حوزه‌ها	نهادی	کالبدی	اجتماعی-فرهنگی	اقتصادی	زیست‌محیطی
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
زیست‌محیطی	ضریب همبستگی	۰/۲۱۱	۰/۴۳۱	۰/۱۷۶	۰/۲۹۳	۰/۱۶۲	۱
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	

طبق جدول شماره ٤، همبستگی دوبه‌دوی ظرفیت‌ها معنادار است؛ زیرا مقدار معناداری برای دوبه‌دوی آن‌ها از ۰/۰۵ کمتر است. همچنین رابطه بین دوبه‌دوی ظرفیت‌ها مستقیم است؛ زیرا مقدار ضریب همبستگی برای همه آن‌ها مثبت است. براساس نتایج، شدت رابطه بین ظرفیت اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی از همه بیشتر و برابر با ۰/۷۵۲ است .

برای بررسی وضعیت موجود ظرفیت‌های مشارکت شهروندی برای بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر نیز از آزمون t-test تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. این آزمون میانگین متغیر مدنظر را با عدد ثابتی مقایسه می‌کند. عدد ثابت در اینجا با توجه به اینکه پرسشنامه از طیف لیکرت پنج‌تایی است، عدد ۳ است. اگر میانگین متغیر مدنظر از عدد ۳ بیشتر باشد، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت ظرفیت مدنظر در حد مطلوب است.

جدول ۵. بررسی وضعیت موجود ظرفیت‌های مشارکت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٤٠١

ظرفیت‌های مشارکت	مبنای مقایسه= عدد ۳						وضعیت موجود
	آماره T	درجه آزادی	مقدار معناداری	میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلاف		
					کران کم	کران زیاد	
کل حوزه‌ها	۱۹/۱۵۴	۳۷۸	۰/۰۰۰	۳/۶۱۷	۰/۵۵۴	۰/۶۸۱	در حد مطلوب
نهادی	۷/۷۷۸	۳۷۸	۰/۰۰۰	۳/۲۱۴	۰/۱۶۰	۰/۲۶۸	در حد مطلوب
کالبدی	۵/۱۶۲	۳۷۸	۰/۰۰۰	۳/۳۱۱	۰/۱۹۳	۰/۴۳۰	در حد مطلوب
اجتماعی-فرهنگی	۸/۹۷۶	۳۷۸	۰/۰۰۰	۳/۴۱۲	۰/۳۲۱	۰/۵۰۲	در حد مطلوب
اقتصادی	۱۰/۹۱۴	۳۷۸	۰/۰۰۰	۳/۴۹۷	۰/۴۰۸	۰/۵۸۷	در حد مطلوب
زیست‌محیطی	۲/۷۵۹-	۳۷۸	۰/۰۰۶	۲/۸۶۶	۰/۲۲۹-	۰/۰۳۸-	در حد پایین

با توجه به یافته‌های مندرج در جدول ۵، مقدار سطح معناداری برای وضعیت موجود همه ظرفیت‌های مشارکت شهروندی برای بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر برای همه ظرفیت‌ها از ۰/۰۵ کمتر است؛ بنابراین کل حوزه‌های نهادی، کالبدی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی بر بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر تأثیرگذارند و همه حوزه‌ها نیز با یکدیگر رابطه مستقیم دارند. همچنین ازآنجاکه میانگین زیست-محیطی برابر با ۲/۸٦٦ و از حد متوسط عدد ۳ کمتر است، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، ظرفیت مشارکت شهروندی برای بازآفرینی بافت ناکارآمد شهرک شهید باهنر کلان‌شهر مشهد از نظر زیست‌محیطی در وضعیت پایین قرار دارد. نتایج حاصل از پرسشنامه نشان می‌دهد، در محله بررسی‌شده، از نظر شهروندان وضعیت رعایت حقوق شهروندی در شهرداری منطقه ٦ مشهد در سطح متوسطی است (میانگین ۲/۹۲۱). سازوکارهای مناسب از سوی مدیریت رسمی شهر برای مشارکت‌پذیری مردم در حد متوسط است (میانگین ۲/۹٦۸). در اطلاع‌رسانی از سوی مدیریت شهری (شهرداری) به ساکنان محله شفافیت وجود ندارد (میانگین ۲/۷۰٤). مردم محله مشارکت لازم را در زمینه پاکیزه نگه داشتن اراضی رهاشده پشت بلوکه‌های آستان قدس رضوی ندارند (میانگین ۲/۵٤٤) و همچنین مردم محله مشارکت لازم را در زمینه نظارت و جلوگیری از ریختن زباله و نخاله‌های ساختمانی در حاشیه کال شهرک ندارند (میانگین ۲/٤٥۹).

جدول ٦. بررسی وضعیت موجود گویه‌های مربوط به ظرفیت‌های مشارکت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

گویه‌ها	مبنای مقایسه= عدد ۳			وضعیت گویه
	آماره T	مقدار معناداری	میانگین	
همکاری و مشارکت بین شهروندان و شهرداری در امور مختلف در محله‌های هدف بازآفرینی در سطح قابل‌قبولی وجود دارد.	۱۲/۰۱۳	۰/۰۰۰	۳/۶۱۲	در حد مطلوب
گروه‌های ذی‌نفع جامعه محلی از نظر جایگاه سیاست‌گذاری‌ها و اجرای برنامه‌های شهرداری در محله‌های هدف بازآفرینی در سطح مناسبی نیستند.	۶/۵۸۷	۰/۰۰۰	۳/۳۵۶	در حد مطلوب

گویه‌ها	مبنای مقایسه= عدد ۳			وضعیت گویه
	آماره T	مقدار معناداری	میانگین	
مدیریت شهری از مشارکت‌پذیری مردم در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مدیریت محله‌های بازآفرینی در سطح مناسبی استفاده می‌کند.	۵/۷۰۹	۰/۰۰۰	۳/۳۰۱	در حد مطلوب
وضعیت رعایت حقوق شهروندی در شهرداری منطقه شش مشهد در سطح مناسبی است.	-۱/۲۹۰	۰/۱۹۸	۲/۹۲۱	در حد متوسط
تکریم ارباب‌رجوع (مردم جوامع محلی) در شهرداری منطقه شش مشهد نامناسب است.	۳/۶۵۷	۰/۰۰۰	۳/۲۰۱	در حد مطلوب
سازوکارهای مناسب از سوی مدیریت رسمی شهر (شورا و شهرداری) برای مشارکت‌پذیری مردم در محله‌های هدف بازآفرینی در سطح مناسبی پیش‌بینی شده است.	-۰/۵۸۵	۰/۵۵۹	۲/۹۶۸	در حد متوسط
شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی از طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری در محله‌های هدف بازآفرینی در سطح مناسبی است.	۵/۱۶۲	۰/۰۰۰	۳/۳۱۱	در حد مطلوب
آموزش مستمر مردم برای افزایش فرهنگ مشارکت‌پذیری در محله‌های هدف بازآفرینی در سطح مناسبی است.	۶/۷۳۹	۰/۰۰۰	۳/۳۷۵	در حد مطلوب
مشارکت‌پذیری بانوان و جوانان در اجرای برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی در سطح مناسبی است.	۸/۱۳۳	۰/۰۰۰	۳/۴۴۹	در حد مطلوب
استفاده از ظرفیت مشارکت‌پذیری ساکنان محله‌های هدف بازآفرینی، نقش مؤثری در ارتقای سطح اقتصادی خانوار محله دارد.	۱۰/۸۰۷	۰/۰۰۰	۳/۵۴۶	در حد مطلوب
شفافیت در اطلاع‌رسانی مدیریت شهری (شهرداری) به ساکنان محله‌های هدف موردقبول و رضایت مردم نیست.	-۴/۶۴۱	۰/۰۰۰	۲/۷۰۴	در حد پایین
از منظر شفافیت و پاسخ‌گویی، همه قراردادها، مناقصه‌ها و معاملات در حوزه مدیریت شهری به‌صورت وسیع و فراگیر انتشار می‌یابد.	۶/۱۴۳	۰/۰۰۰	۳/۳۹۶	در حد مطلوب
میزان مشارکت‌پذیری مردم در اجرای برنامه‌های زیست‌محیطی محله در سطح مناسبی قرار دارد.	۶/۳۰۷	۰/۰۰۰	۳/۳۳۰	در حد مطلوب
مردم محله مشارکت لازم در زمینه جمع‌آوری و تفکیک زباله‌ها و قرار دادن در سطل‌های زباله را دارند.	۲/۳۲۱	۰/۰۲۱	۳/۱۲۹	در حد مطلوب
مردم محله مشارکت لازم را در زمینه پاکیزه نگه داشتن اراضی	-۶/۹۲۷	۰/۰۰۰	۲/۵۴۴	در حد پایین

گویه‌ها	مبنای مقایسه= عدد ۳			وضعیت گویه
	آماره T	مقدار معناداری	میانگین	
رهاشده پشت بلوکه‌های آستان قدس رضوی دارند.				
مردم محله مشارکت لازم را در زمینه نظارت و جلوگیری از ریختن زباله و نخاله‌های ساختمانی در حاشیه کال شهرک دارند.	۷/۹۳۲-	۰/۰۰۰	۲/۴۵۹	در حد پایین

بخشی از تأثیرسنجی با پیمایش و تحقیقات میدانی و مصاحبه حضوری محقق با واکنش رضایتمندی مصاحبه‌شنوندگان و ساکنان محلی حاصل شد. بخشی دیگر از تأثیرات مثبت برنامه‌ها و اقدامات دفتر تسهیلگری، با توجه به استقبال عمومی ساکنان محله و مراجعه حضوری آنان به دفتر تسهیلگری و اشتیاق به همراهی و تمایل به مشارکت‌پذیری آنان در برنامه‌ها و اقدامات پیشنهادی دفتر در مذاکرات و مصاحبه‌های حضوری ارزیابی شد. نتیجه این نظرسنجی‌ها، مشارکت‌پذیری قابل‌قبول ساکنان محله در انجام اقداماتی نظیر طرح‌های بهسازی و نوسازی محله، برگزاری مراسم سنتی و مذهبی، برگزاری کلاس‌های دینی و مذهبی، برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی، حمایت از خانواده‌های بدسرپرست، بی‌سرپرست، معتادان و... است.

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس روش‌شناسی تحقیق (روش تحلیل عاملی) و به‌دلیل تدوین مقاله از رساله‌ای که صرفاً برمبنای سؤالات طراحی و تصویب شده و فاقد فرضیه بوده است، مقاله حاضر نیز فاقد فرضیه بوده است و درصدد پاسخ به این پرسش است که «ظرفیت‌های مشارکت شهروندی برای برنامه‌ریزی مشارکتی در شهرک شهید باهنر کلان‌شهر مشهد کدام است؟» بر این اساس نتایج و پیشنهادهای زیر نیز ارائه می‌شود:

۱. رفتارشناسی ساکنان قلمرو پژوهش به موضوع مشارکت‌پذیری و برنامه‌ریزی مشارکتی همانند مشارکت‌پذیری شهروندان در توسعه شهر اکوچین، بیشتر واکنشی و جمعی است. اقدامات فردگرایانه در راستای بهسازی محیط مسکونی نیز مشاهده می‌شود، اما

مشارکت‌پذیری به‌صورت کنش جمعی براساس همبستگی و انسجام اجتماعی متوسط رو به زیاد در فضای جغرافیایی بافت مزبور درخور توجه است.

۲. در فرایند تجزیه و تحلیل پژوهش، در قلمرو پژوهش شاخص‌های زیست‌محیطی و نهادی به‌ترتیب رتبه‌های پایین و متوسط دارند. برای جبران این کاستی، بهره‌گیری از مطالعه انجام‌شده در جامعه‌ای واقع در جنوب شرقی استرالیا و همسو با اهداف جهانی و راهبردی سازمان ملل برای افق زمانی ۲۰۳۰، توجه به زیرساخت‌های محیطی و برابری اجتماعی در جهت نیل به توسعه پایدار بر مبنای برنامه‌ریزی مشارکتی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛

۳. در راستای برنامه‌ریزی مشارکتی با توجه به ظرفیت‌های موجود در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری در سطح ملی (از جمله قلمرو پژوهش) براساس مطالعات صورت‌گرفته در بافت‌های ناکارآمد شهری تهران و ارومیه، اعتماد و باور سیاست‌گذاران و مدیران برنامه‌ریزی شهری به استفاده از ظرفیت مشارکت‌پذیری مردم (ساکنان محله‌ها)، اصلی مهم و بنیادی است؛ بنابراین مشارکت مردم در برنامه‌ریزی مشارکتی محله محور در بافت‌های ناکارآمد شهری ایران در مقیاس ملی (از جمله در قلمرو پژوهش) گامی اساسی در آغاز تحولات ساختاری و احیای محیط و بهبود مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی فضای یاد شده است؛

٤. پیشنهاد می‌شود، به‌کارگیری ظرفیت‌های بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد شهری و همچنین در قلمرو پژوهش در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDGs) متناسب با فرهنگ ساکنان محله و رعایت مؤلفه‌های اجتماعی-اقتصادی به‌گونه‌ای صورت پذیرد که سازوکار برنامه‌ریزی مشارکتی محله‌محوری ضمن سازگاری با محیط جغرافیایی، با اهداف جهانی نیز همسو باشد؛

۵. از برجستگی‌های مهم این پژوهش کمک به تشکیل و راه‌اندازی دفتر تسهیلگری محله و راهبری و ارزیابی مداوم آن به‌عنوان یک نهاد واسط محلی و قابل‌تسری به سایر کلان‌شهرهای ایران است؛ بنابراین این پژوهش، توجه سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و

مدیران شهری در کشورهای میانی و کلان‌شهرهای ایران (ازجمله قلمرو پـژوهش) را به تقویت مستمر و حمایت مؤثر این گونه نهادهای واسط جلب می‌کند؛

۶. کشفیات عینـی و مصـاحبه‌هـای حضـوری در قلمـرو پـژوهش بیـانگر آن اسـت کـه ظرفیت‌هـای موجـود ناشـی از تنـوع مـذهب و قومیـت در محلـه مـدنظر مشـابه بـا ظرفیت‌هـای بـازآفرینی در بافـت‌هـای نسـبتاً همسـان در شـهرها و کـلان‌شـهرهای استان‌های مرزی و برخی از کلان‌شهرهای میانی ایران، درخور توجـه اسـت؛ بنـابراین برای شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌هـای موجـود در ایـن‌گونـه بافـت‌هـا در راسـتای برنامه‌ریزی مشارکتی و تحقق اهداف بازآفرینی، بهـره‌گیـری از هسـته‌هـای مشـارکت مردمی و فرهیختگان و پیشرانان توسعه محله با محوریت دفاتر تسهیلگری (کـه خـود نمونه‌ای از مشارکت محله‌محوری است)، ضروری و مسلم است؛

۷. با توجه به پیشینه تحقیق، به‌ویژه درباره بافت‌های ناکارآمد شهری در شهرهای ایـران، به‌منظور اسـتفاده مطلـوب از ظرفیـت بـازآفرینی در بافـت‌هـای یادشـده بـا رویکـرد برنامه‌ریزی مشارکتی، موارد زیر بـه برنامـه‌ریـزان ملـی و منطقـه‌ای و محلـی توصـیه می‌شود:

الف. باور و اعتقاد اساسی‌تر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان مـدیریت شـهری بـرای تقویت زیرساخت‌های محله و فعال‌سازی زمینه‌های توسعه اقتصادی محلـه در بافت‌های یادشده؛

ب. بهره‌گیری مطلوب‌تر از ظرفیت مشارکت‌پذیری ساکنان این‌گونـه محلـه‌هـا از طریق تقویت مؤلفه‌های اجتمـاعی (همبسـتگی اجتمـاعی، همگرایـی، ارتقـای حس مشارکت‌پذیری ساکنان در بازآفرینی محله)؛

ج. ایجاد و تقویت نهادهای واسطه محله‌ها متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف کشور (مانند دفاتر تسهیلگری، شورای تخصصی محله و...) به‌عنوان الگویی تجربه‌شده در جهت تسریع فرایندهای بازآفرینی برمبنـای مدیریت محله‌محوری در بافت‌های ناکارآمد شهری ایران. این امر برای تحقـق

اهداف پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی با رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی و مدیریت و برنامه‌ریزی محله‌محوری مدنظر قرار گیرد.

کتابنامه

۱. ابراهیم‌زاده آسمین، ح.، اشتری مهرجردی، ا.، و حاجی زاده، ف. (۱۳۹٦). تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری؛ مطالعه موردی: منطقه ۳ شهر زاهدان. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، *۸*(۳۲)، ۱۳۷–۹۷.

۲. احمدی، ح. (۱۳۷۷). عوامل ظهور گسترش ایده مشارکت در برنامه‌ریزی و شهرسازی. *فصلنامه پژوهش (پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی)*، (۲)، ۱–۲۵.

۳. ارجمندنیا، ا. (۱۳۸۰). سازمان‌های غیر دولتی راهبرد مشارکت سازمان یافته. *مدیریت شهری*، ۲(۵)، ۲۸–۳۳.

٤. ارزمانی، م.، وطن‌پرست، م.، و معتمدی، م. (۱۳۹۸). راهکارهای مشارکتی در تدوین شاخص‌های بازآفرینی شهر بجنورد با رویکرد توسعه پایدار. *نشریهٔ مطالعات هنر اسلامی*، *۳۸*(١٦)، ۲۰–۳۷.

۵. امینی، م.، صارمی، ح.، و قالیباف، م. ب. (۱۳۹۷). بررسی توزیع فضایی و مدل تلفات انسانی در بافت فرسوده منطقه ۱۲ شهر تهران بر اساس شاخص‌های کالبدی بازآفرینی پایدار شهری. *پژوهشنامه نظم و امنیت اجتماعی*، *۱۱*(٤)، ۹۵–۱۲٤.

٦. اوکلی، پ.، و دیوید م. (۱۳۷۰). *رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی* (م. محمودنژاد، مترجم). تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.

۷. ایزدی، پ.، قاسمی، ف.، و سالاری، م. (۱۳۹۰). بازآفرینی پایدار راهی به سوی توسعه پایدار محلات فرسوده و مسئله‌دار شهری. *کنفرانس ملی توسعه پایدار و عمران شهری*، مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان، اصفهان.

۸. آقامیری، ح. س. (۱٤۰۰). جایگاه مشارکت شهروندی در اقتصاد سبز شهری با تأکید بر امنیت غذایی (مطالعه موردی: منطقه ٤ شهرداری تهران). *دوفصلنامه توسعه پایدار محیط جغرافیایی*، ۳(٤)، ۱٤۲–۱۵۵.

۹. بحرینی، س. ح.، ایزدی، م. س.، و مفیدی، م. (۱۳۹۳). رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار). *فصلنامه مطالعات شهری*، ۳(۹)، ۱۷–۳۰.

۱۰. بهنه، م.، کلانتری خلیل‌آباد، ح.، و رضایی، م. (۱۳۹۳). منظر پردازی بافت‌های تاریخی با عناصر مبلمان شهری (مطالعه موردی: محله سیروس تهران). *اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار*، تهران.

۱۱. پوراحمد، ا.، کشاورز، م.، علی‌اکبری، ا.، و هادوی، ف. (۱۳۹٦). بازآفرینی پایدار بافت‌های ناکارآمد شهری (مورد مطالعه: منطقه ۱۰ شهر تهران). *فصلنامه آمایش محیط*، *۱۰*(۳۷)، ۱٦۷–۱۹٤.

۱۲. تالشی، م.، و عفتی، م. (۱۳۹۸). *برنامه‌ریزی مشارکتی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

۱۳. تقوایی، م.، و طاهری، ا. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر بازآفرینی شهری بر گردشگری شهری (مطالعه موردی: منطقه ۳ شهر اصفهان). *مطالعات مدیریت شهری*، *۱۲*(٤۱)، ۱۷–۲۷.

۱٤. حبیبی، س. م.، و سعیدی رضوانی، ه. (۱۳۸٤). شهرسازی مشارکتی: کاوشی نظری در شرایط ایران. *نشریه هنرهای زیبا*، (۲٤)، ۱٥–۲٤.

۱٥. رحمن زاده، م. (۱۳۹٥). *نقش بازآفرینی کالبدی فضاهای عمومی بافت فرسوده شهری بر ارتقاء تعاملات اجتماعی* (پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد رشته معماری)، دانشگاه حکیم سبزواری، ایران.

۱٦. رسول نازی، س.، نقیبی، ف.، و خسرونیا، م. (۱٤۰۱). بررسی نقش ظرفیت‌های مردمی و محلی در بازآفرینی بافت ناکارآمد شهری (نمونه موردی: بافت فرسوده ارومیه). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، *٥٤*(۱)، ۱۳۱–۱٥٤.

۱۷. رفیعیان، م.، و احمدزاده نانوا، ح. (۱۳۹۱). سنجش ظرفیت‌های مشارکت اجتماعی در سیاست‌های مداخله در محلات ناکارآمد شهری. *فصلنامه علمی–پژوهشی رفاه اجتماعی*، *۱۲*(٤٦)، ٤۰۷–٤۲۹.

۱۸. روستایی، م.، پوراحمد، ا.، مرصوعی، ن.، و علی اکبری، ا. (۱۳۹۹). الگوی کاربری ترکیبی در بافت‌های فرسوده ناکارآمد منطقه ۱۸ شهر تهران و نقش آن در بازآفرینی پایدار محله‌ای. *جغرافیا و پایداری محیط*، (۳۷)، ۳۹–٥۲.

۱۹. روشن‌علی، ف.، و عندلیب، ع. (۱۳۹۷). مسئله‌یابی بافت‌های ناکارآمد شهری مهم‌ترین مرحله مشارکت دهی ساکنان در موفقیت برنامه‌های نوسازی (نمونه موردی: محله شهید خوب بخت تهران). *مدیریت شهری*، *٥۲*، ۹۳–۱۰۸.

۲۰. زالی، ن.، دارابی، ح.، و میرزایی، ع. (۱۳۹۲). بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده محله پیرسرای کلان‌شهر رشت با رویکرد مشارکت مردمی. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، *٤*(۱۲)، ۷۹–۹٤.

۲۱. ساسانی، م.، ساسانی، ز.، و ذبیحی، ح. (۱۳۹۹). تحلیل کیفیت زندگی در فضاهای بافت فرسوده شهری (نمونه موردی: محله سید ذوالفقار شهر شیراز). *فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا*، *۱۰*(۳)، ۸۳۲-۸۲۱.

۲۲. شفاهی، س. (۱۳۸۵). *راهنمایی شناسایی و مداخله در بافت فرسوده شهری (مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران)*. تهران: ایده پردازان فن هنر.

۲۳. شفیعی‌نسب، س. ا.، و گلابی، ف. (۱۳۸٦). بافت فرسوده و سیاست‌های بهبود کیفیت مسکن. *نشریه آبادی*، (۵۵)، ۱-۲۰.

۲٤. طوسی، م. ع. (۱۳۸۰). مشارکت در مدیریت و مالکیت (چاپ اول). تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۲۵. علمی، م. (١٤٠٠). *عوامل اجتماعی مرتبط با مشارکت شهروندان تبریز در روند توسعه پایدار شهر. فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، *۱۳*(۳)، ٦٨-٨٦.

۲٦. علوی‌تبار، ع. (۱۳۸۲). *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها* (جلد اول). تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.

۲۷. عندلیب، ع.، بیات، ا.، و رسولی، ل. (۱۳۹۲). مقایسه و تطبیق بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری بلوک خیام تهران (ایران) و پروژه لیورپول (بریتانیا). *نشریه آمایش محیط*، ٦(۲۳)، ۷۹-١٠٤.

۲۸. فنی، ز.، و صادقی، ی. (۱۳۸۸). توانمندسازی حاشیه نشینان در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: اسلام آباد، منطقه ۲ شهرداری تهران). *نشریه آمایش محیط*، *۲*(۷)، ۷۳-۵۷.

۲۹. قاسمی سیانی، م.، قاسمی، ا.، و حیدری، ح. (۱۳۹۹). تدوین چارچوب مفهومی برنامه‌ریزی مشارکتی محله‌محور در شهرهای ایرانی (مطالعه موردی: محله‌های سیروس، جوادیه و هفت‌چنار شهر تهران). *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱۱(٤۱)، ٤۱-۵۳.

۳۰. قاسمی، ح.؛، میری، غ.، و حافظ رضازاده، م. (١٤٠٠). واسنجی تأثیر حکمروایی خوب شهری بر بازآفرینی بافت فرسوده در مناطق شهری؛ مطالعه موردی: شهررضا. *فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، *۱۲*(۱)، ٦۳۹-٦۵۲.

۳۱. کمال‌خواه، ع.، و نوروزی، س. (۱۳۸۷). بررسی نقش مشارکت شهروندان در روند اجرای طرح‌های شهری بافت تاریخی. *اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری*، مشهد.

۳۲. لطیفی، غ.، و مروتی، ن. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تمایل ساکنان بافت های فرسوده به نوسازی (مطالعه موردی: محله امام زاده عبداله تهران). *نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ٤(۱۰)، ۱۸۷-۲۲٦.

۳۳. ماجدی، ح. (۱۳۸۹). توسعه‌های شهری امروز، بافت‌های فرسوده آینده. *نشریه هویت شهر*، ٤(٦)، ۸۷-۹٤.

۳٤. مهندسین مشاور شاران. (۱۳۸٤). *راهنمای شناسایی ومداخله در بافت‌های فرسوده، مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری*. تهران: وزارت مسکن وشهرسازی.

۳۵. میرزایی ارجنکی، ف.، و شبانی شهرضا، ا ح. (۱۳۹۹). ارزیابی طرح بازآفرینی بافت فرسوده شهری با رویکرد مشارکت مردمی در محله همت آباد اصفهان. *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۹(۳٤)، ۱۱۹-۱۳٤.

۳٦. وزارت راه و شهرسازی. (۱۳۹٤). *مجموعه قوانین و مقررات بازآفرینی شهری پایدار*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی سازمان عمران و بهسازی شهری.

۳۷. هادیان، ا.، و دانشپور، ع. (۱۳۸۷). نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و مشارکت شهروندان. *اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری*، مشهد.

۳۸. هوپی‌زن، ا. (۱۳۷۷). مشارکت شهروندان در طرح ریزی و توسعه نواحی شهری (ن. برک‌پور، مترجم). *نشریه معماری و شهرسازی*، (٤۸-٤۹)، ۱-۲۰.

39. Ahokpe, K. W., & Serdaroğlu, N. (2021). Urban regeneration in cultural quarters: Example of porto-novo (BENIN). *EKSEN Dokuz Eylül Üniversitesi Mimarlık Fakültesi Dergisi*, *2*(1), 11-33.
40. Amiri, Kh, Masoud, M., Moradi Chadegani, D., Sadeghy, N., & Safi-Esfahani, F. (2022). Introducing “the use case diagram “of community empowerment process in cybernetic space in order to improve the public participation in urban regeneration of areas suffering from decline in Isfahan. *Motaleate Shahri*, *11*(42), 61-74.
41. Blagojevic, M., & Peric, A. (2021). The diffusion of participatory planning ideas and practices: The case of socialist Yugoslavia, 1961-1982. *Journal of Urban History*, https://doi.org/10.1177/00961442211044501
42. Ciesiółka, P., & Burov, A. (2021). Paths of the urban regeneration process in Central and Eastern Europe after EU enlargement-Poland and Bulgaria as comparative case studies. *Spatium*, (46), 1-10.

43. Creighton, J. (2005). *The public participation handbook: Making better decisions through citizen involvement*. San Francisco: John Wiley & Sone.
44. Erik, E., Amira, F., & Josefina, S. (2021). Opening the black box of participatory planning: A study of how planners handle citizens' input. *European Planning Studies*, *30*, 994-1012.
45. Galdini, R. (2005). Urban regeneration process- The case of Genoa, an example of integrated urban development approach. *ERSA Conference Papers Ersa 05p426*, European Regional Science Association.
46. Huifeng, L., & Martin, D. J. (2017). Citizen participation in China's eco-city development. Will 'new-type urbanization' generate a breakthrough in realizing it? *Journal of Cleaner Production*, *162*, 1085-1094.
47. Luke, B. (2018). A critique of the application of neighborhood sustainability assessment tools in urban regeneration. *Sustainability*, *10*(4), 1005.
48. Marrison, N., & Xian, S. (2016). High mountains and faraway emperor: Overcoming barriers to citizen participation in Chinas urban planning practices. *Habitat International*, *57*, 205-221.
49. Priscoli, J. D. (2003). *Participation consensus building and conflict management training*. Paris: UNESCO.
50. Sally, M., Naglis, M., & Maliene, V. (2009). Urban regeneration for sustainable communities: A case study, Technological and economic development of economy. *Baltic Journal on Sustainability*, *15*(1), 49-59.
51. Szetey, K. (2021). Participatory planning for local sustainability guided by the sustainable development goals. *Ecology and Society, 26*(3), 16.